جام جم
سینمای مستند
DOCUMENTARY CINEMA
۱۱
دوشنبه ۴ دی ۱۴۰۲ شماره ۶۶۶۵

«چرخ و بیابان» بهترین فیلم جشنواره قزاقستان

فیلم کوتاه «چرخ و بیابان» به نویسندگی و کارگردانی رضا ثابت‌پور موفق شد در جشنواره بین‌المللی فیلم باستائو قزاقستان، عنوان بهترین فیلم کوتاه داستانی را از آن خود کند. داستان فیلم کوتاه چرخ و بیابان که در جاده‌ای متروکه در دل یک بیابان می‌گذرد، ماجرای بنزین‌فروشی را روایت می‌کند که برای کمک به یک مرد زخمی و بردن آب برای او، به دکه بنزین‌فروشی خود برمی‌گردد اما وقتی می‌فهمد که آن مرد سارق است، بازی تغییر می‌کند... این فیلم تاکنون در بیست‌وپنجمین جشنواره بین‌المللی فیلم مادورای هند و یازدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم باستائو قزاقستان حضور داشته است. همچنین در هشتمین جشنواره بین‌المللی فیلم گلدن باکلاواترکیه نمایش داده خواهد شد. این فیلم ژانویه ۲۰۲۴ در بخش مسابقه اصلی جشنواره بین‌المللی فیلم جیپور هند، در ایالت راجستان اکران خواهد شد. چرخ و بیابان پیش از این در بیستمین جشنواره بین‌المللی فیلم سالنتو ایتالیا و بیست و دومین جشنواره بین‌المللی فیلم روت ۶۶ آمریکا نیز به نمایش درآمده استعلیرضا مهران، کامبیز امینی، سید سعید طاهری و کیوان نقره‌کار، بازیگران این فیلم کوتاه هستند و سایر عوامل آن عبارتند از: تهیه‌کننده؛ رضا ثابت‌پور، مدیر فیلمبرداری؛ علی حیدری، مدیرصدابرداری؛ امین جعفری، دستیار کارگردان و برنامه‌ریز؛ محسن حیدرلکی، تدوین؛ سودابه سعیدنیا، طراح صحنه؛ پویان باغنده، طراح لباس؛ ملینا باغنده، گریم؛ فاطمه حسین‌خانی و....

«احمد» مستندی برای سفیدشویی چهره‌های سیاسی

تناقض آشکار در اهدای جایزه آوینی

علی رحیمی
گروه فرهنگ و هنر

بی‌شک یکی از چالش‌برانگیزترین آثار هفدهمین جشنواره مستند حقیقت، حضور فیلم «احمد» اثر مصطفی رزاق‌کریمی با سرمایه‌گذاری و تهیه‌کنندگی مؤسسه عروج امام در بخش مسابقه ملی و جایزه آوینی است. آن‌گونه که در کاتالوگ جشنواره عنوان شد: احمد «مستندی درباره زندگی و زمانه مرحوم سیداحمد خمینی(ره) و رویدادهای زندگی او از آغاز تا جوانی، دوران مبارزه، همراهی با امام از نجف تا نوفل‌لوشاتو تا ورود به ایران و پس از آن است.» مستندی که با توجه به بکر بودن موضوع و اهمیت و نقش شخصیت انتخابی در جایگاه مشاور و معاون و همراه معمار و رهبر یک انقلاب، منتقدان زیادی را ترغیب به تماشا کرد، باعث شد تا این مستند به یکی از پرمخاطب‌ترین آثار جشنواره تبدیل شود اما این فیلم نتوانست نظر منتقدان را جلب کند، زیرا در بحث کیفیت با مشکلات فراوانی روبه‌رو بود به نحوی که انتخاب آن در جشنواره هفدهم زیر سؤال بود، زیرا این اثر به عنوان یک فیلم بیوگرافی، داستان خود را به پیش نمی‌برد و به مهم‌ترین مقاطع زندگی سیداحمدخمینی قبل و پس از رحلت امام نمی‌پردازد و تنها با یک دیالوگ از کنار موضوع می‌گذرد اما در بخش‌های زیادی تلاش می‌کند چهره‌های اصلاح‌طلب را در این فیلم سفیدشویی کند. به‌طور کلی انتظارها بر آن بود که اثر جدید مصطفی رزاق‌کریمی که سابقه تولید آثاری همچون «خاطراتی برای تمام فصول» و «بانوی قدس ایران» را در کارنامه دارد با یک اثر ویژه، آگاهی‌بخش و ماندنی برای نسل گذشته و نیز تاثیرگذار برای نسل جوان روبه‌رو شود؛ نسلی که تشنه شناخت بزرگان و قهرمانان کشورش است و کمتر هنرمندی به آن ورود می‌کند؛ به‌ویژه آن‌که رزاق‌کریمی در مصاحبه با رسانه‌ها نیز با تاکید بر همین موضوع عنوان کرده است که «...مستند احمد برای حوزه علمیه و افراد سن و سال‌دار نیست، اتفاقا برای جوانانی ساخته شده است که من وقتی از آنها پرسیدم سیداحمد خمینی را می‌شناسید؟! آن را نمی‌شناختند و کنجکاوی برای من شد که این فیلم را بسازم تا بدانم احمد خمینی قبل و بعد از انقلاب چه کسی بوده است؟!» این نگاه کارگردان که در فیلم جاری نیست و فیلم آنچنان به ضد خودش تبدیل شده که کارگردان در گفت‌وگو با ایسنا اعلام کرد: «دروغ نمی‌گویم و تحریف نمی‌کنم» با نگاهی سطحی بر مستند که به‌عقیده بسیاری از منتقدان و حتی مخاطبان آشنا با تاریخ پس از انقلاب با محتوایی گزینشی، برجسته کردن عقاید شخصیت‌های سیاسی سوخته و از همه مهم‌تر بی‌توجهی به برخی برهه‌های حساس زندگی ایشان همراه بود شائبه تحریف تاریخ معاصر برای نسل آینده را به همراه داشت؛ ضمن آن‌که فیلم به‌عنوان یک اثر بیوگرافی حتی کیفیت لازم را نیز در جشنواره فیلم حقیقت نداشت.

امیدوارم تحریف‌ها از روی غفلت باشد

مسعود شهیدی، منتقد سینما در نقد این مستند نوشت: «...تحریف و دروغ گاهی آشکار و عریان است یعنی سخنی خلاف واقع است و گاهی پنهان و پوشیده است و بسیاری از افراد عادی متوجه تحریف نمی‌شوند. تحریف پنهانی، عبارت از بیان بخشی از واقعیت و مخفی کردن بخش دیگر، مخصوصا بخش مهم آن است. تحریف پنهانی، همان اثر تحریف علنی را دارد زیرا در ذهن مخاطب، تصویری خلاف واقع ایجاد می‌کند. در فیلم‌ها و مستندها باید مراقب این نوع تحریف پنهان که معمولا با اهداف سیاسی صورت می‌گیرد و حتی گاه ممکن است غیرعمد و ندانسته و ناخواسته صورت گیرد، باشیم. در فیلم مستند «احمد» چنین تحریف‌های پنهانی مخصوصا در رابطه با سال‌های آخر عمر حاج‌احمد آقا وجود دارد که امید است از روی غفلت باشد ... .وی در بخش دیگری از نقد خود در انتقاد از مصاحبه‌شونده‌ها نیز عنوان می‌کند: «آیا می‌شود مستندی در مورد حاج‌احمدآقا ساخت و این بخش بسیار مهم از زندگی ایشان را نادیده گرفت؟ آیا می‌شود انکار کرد که جریان سیاسی اصلاحات که همان دوستان بی‌مهر احمد بودند سال‌هاست تلاش می‌کنند این قسمت از زندگی حاج‌احمدآقا از حافظه جامعه پاک شود؟ کارگردان محترم خود قضاوت کنند که حذف این قسمت بسیار مهم از زندگی حاج‌احمدآقا در مستند احمد اگر تحریف نباشد چه نام دیگری می‌توان بر آن نهاد؟»

چرا این فیلم به جشنواره می‌آید؟

این‌که یک مستندساز این اختیار را دارد که در هر زمینه‌ای و با هر زاویه دیدی اثری را تولید کند، یک واقعیت غیرقابل‌نقد است و مطمئنا موضوع این گزارش نیست. به‌ویژه آن‌که اثری با داشتن مخالفان و موافقان متعدد نشانه پویایی اثر است اما دغدغه آنجاست که چرا چنین اثر استراتژیک و تاثیرگذاری برای کشور با داشتن ایرادات تاریخی، اسنادی و ضعف محتوایی به‌راحتی در بخش مسابقه یک جشنواره بین‌المللی وارد می‌شود و جایزه می‌گیرد؟ آیا متر و معیاری متفاوت با سایر آثار در گزینش فیلم‌های استراتژیک و مهم در این جشنواره مهم و صدالبته در سایر جشنواره‌های هنری وجود دارد یا خیر؟ در این ارتباط گفت‌وگویی با محمد شکیبانیا، عضو گروه مشاوران انتخاب آثار جشنواره در ارتباط با علت حضور این فیلم در بخش مسابقه انجام دادیم.

اصرار عجیب تهیه کننده

شکیبانیا گفت: انتخاب ما ناظر بر این بود که فیلم مهمی است و باید دیده شود. وی در پاسخ به این‌که چرا برای دیده‌شدن اثر در بخش غیرمسابقه اکران نشد نیز گفت: آقای رزاق‌کریمی نیز علاقه‌ای به حضور در بخش مسابقه نداشت اما با وجود تاکید ایشان، تهیه‌کننده و صاحب اثر خواستند که در بخش مسابقه بیاید. هرچند توفیقی هم در بخش مسابقه نداشتند و فقط جایزه دوم بخش آوینی را کسب کردند.

پرسیدم شاید مسأله اصلی این باشد که این فیلم در بخش آوینی جایزه‌ای را می‌برد که به‌طور ویژه بر موضوع انقلاب و جنگ مرتبط است و به‌نوعی از منظر مخاطب تایید محتوای آن از سوی مسئولان کشور عنوان می‌شود. شکیبانیا در این باره گفت: من انتقادات را خوانده‌ام اما همه این نقدها با عینک سیاسی امروز بود ولی آقای رزاق‌کریمی همان‌گونه که خودشان هم عنوان کردند، نگاه سیاسی ندارد چون من در جریان ساخت و تولید اثر بودم. در مورد تحریف نیز اعتقاد دارم نکاتی در فیلم هست که به آنها اشاره نشده یا از کنارش به جای آن‌که عمیق شود گذشته است اما آن‌قدر مهم نیست که مورد توجه قرار گیرد. شکیبانیا با تاکید بر این‌که مهم‌ترین نقد منتقدان روی محتوای اثر است، گفت: این از نظر مخاطب مهم است اما از نظر داوران سایر عوامل نیز مدنظر است. مثلا قاب‌بندی ایشان بسیار جسورانه است و برای مستندسازان جوان می‌تواند آموزنده باشد یا از نظر نگارش متن، متن تاثیرگذاری دارد که دانش و محتوا را در نریشن یک زن و شوهر بگذارید اینها تاثیرگذار است اما نقدها همگی روی محتوا است که محتوا سیاسی است، تحریف‌شده است و چرا در مصاحبه‌ها از یک جریان خاص می‌گوید. به نظر می‌رسد هیات انتخاب جشنواره هفدهم تحت تاثیر نگاه سیاسی و فشار تهیه‌کننده این فیلم را در بخش مسابقه قرار داده است. هرچند این فیلم کیفیت لازم را نیز نداشت و حتی صحنه‌های تاثیرگذار آن زمانی که همسر احمد خمینی برای نوه خود بخش‌هایی از زندگی او را روایت می‌کند، بسیار تصنعی از کار درآمده‌است. همان‌گونه که امیررضا فانی، منتقد هنری به کنایه در توییتی بر این فیلم نوشت: «در مستند احمد، سید احمد خمینی فرزند سیدحسن خوب بازی کرد.»

> **به نظر می‌رسد هیات انتخاب جشنواره هفدهم تحت تاثیر نگاه سیاسی و فشار تهیه‌کننده این فیلم را در بخش مسابقه قرار داده است**

چرا احمد جایزه آوینی را گرفت؟

جایزه بخش شهید آوینی آن‌گونه که از عنوان آن برمی‌آید و در شرح فراخوان آمده به موضوعات مقاومت، دفاع‌مقدس، انقلاب‌اسلامی، مطالبه‌گری و روشنگری مرتبط است؛ به عبارتی بهتر در این بخش، در داوری آثار بیش از هر چیزی محتوا و اسناد مهم هستند، به عبارتی دقیق‌تر داوران این بخش افرادی متخصص در حوزه مقاومت و دفاع‌مقدس هستند که با اشراف به تاریخ معاصر ایران، آثاری را به بخش مسابقه وارد می‌کنند که از منظر اسنادی و محتوایی مورد تایید محققان باشند و در آینده بتوان بر آنها استناد کرد و با این تفاسیر انتخاب مستند احمد به نوعی می‌تواند مهر تاییدی بر محتوای آن باشد.

مصطفی دالایی، داور بخش آوینی در این زمینه در گفت‌وگو با جام‌جم گفت: به عقیده من جای این فیلم خالی بود و موضوعات خوبی را مطرح کرده است. ایشان آثار ماندگاری مثل بانوی قدس ایران را دارد که اگر ساخته نمی‌شد، یک مقداری حافظه بصری و تاریخی ایرانی‌ها، نسل جوان و نسل مسن‌تر خالی می‌ماند. ایشان واقعا برای اولین بار یک فیلم ساخته و کسی این قدرت و توانمندی را ندارد چنین فیلمی را بسازد. امیدوارم باز هم کار کند. او در پاسخ به این پرسش که این فیلم از بیوگرافی صرف فاصله گرفته و به برخی موضوعات زندگی یادگار امام نمی‌پردازد و در برخی موارد دست به تحریف زده، گفت: این فیلم بیوگرافی صرف از یادگار امام نیست. او قرار است رابطه امام و سیداحمد را بیان کند که یک رابطه پدر و پسری و عاشقانه بوده و به حد زیادی به این موضوع رسیده است و در مسیر رسیدن به همین هدف، چند نمونه می‌آورد تا نشان دهد ایشان گوش به فرمان امام بوده است. مثلا در خصوص پایان جنگ یک سند تاریخی جدید می‌آورد که پس از فتح خرمشهر نظر حاج احمدآقا این بود که به صلاح است جنگ را پایان دهیم اما امام بر اساس نظر فرماندهان و سیاستمداران عمل کرد و حاج احمد نیز گوش به فرمان امام بود. به عقیده من اگر این را محور بگیریم و نگوییم بیوگرافی است، کار خوبی است. ضمن آن‌که باید بپذیریم برای تولید اثر آقای رزاق کریمی این انتخاب‌ها را داشته و شاید یک کارگردان دیگر با نگاه دیگری آن را مطرح کند. این همان تفاوت فیلمسازان است. این آزادی و احترام را برای هر فیلمسازی باید قائل شد. تیم داوری نیز این فیلم را در رقابت با فیلم‌های موجود از دید کارگردانی، تدوین، سوژه، پایمردی، پژوهش و ... بهتر دید. شاید تیم داوری دیگری بود نظرات چیز دیگری بود.

برش

فیلم‌های استراتژیک را دریابیم

صاحب‌نظران گذشته را چراغ راه آینده می‌دانند و معتقدند جامعه‌ای در مسیر پویایی و توسعه پایدار گام‌های محکم‌تری برمی‌دارد که گذشته خود را به درستی بشناسد. به عبارتی بهتر، گذشته تاریخی یک جامعه برگرفته از موضوعاتی استراتژیک است که باید برای آن هدفمند و خیلی محتاطانه، صبورانه و هوشمندانه برای آن برنامه‌ریزی کرد. بر کسی پوشیده نیست سینما ابزار مهمی برای ایجاد یا خلق فرهنگ، تغییر یا انتقال فرهنگ و فرهنگ‌پذیری محسوب می‌شود. محتوای سینما به راحتی بر افکار نفوذ می‌کند و آنها را جهت می‌دهد. بر مسئولان واجب است با دقت نظر بیشتری به آن توجه کنند.

دوشنبه‌نوشته‌ها

محمدتقی فهیم | نویسنده و مترجم

مستندهای احمد هر دو جانسوزند، اما...؟

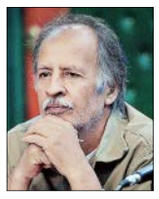

هفدهمین جشنواره سینما حقیقت را در حالی به پایان بردیم که کارنامه این رویداد، مثال زدنی است. نمره ۱۷ از ۲۰ حق این دوره است. جشنواره‌ای سراپا (به‌جز اختتامیه شلخته و بدون ریتم) که به واقع رنگین کمانی از ایران بزرگ بود؛ ایرانی که همه داشته‌ها، رنج‌ها و افتخاراتش را می‌شد در قالب و گونه‌های متنوع مستندسازی شاهد بود. استقبال از برپایی چند روزه جشنواره نیز تاییدی بر این مدعاست. سیاست‌گذاری‌هایی که منجر به این توفیق شد را باید در فرصتی مستقل مورد تحلیل قرار داد اما در ادامه بحث هفته گذشته این ستون، لازم است تا مصداقی‌تر به آثار حاضر در جشنواره، بازتاب‌ها و بازخوردهای آن بپردازم.

در این دوره فیلم‌های خوب کم نبودند، خصوصا آثاری که توسط بچه‌های جوان ساخته و پرداخته شده بود، ازجمله فیلم «خانواده خلج» که همه مرارت‌های پشت صحنه یک زوج برای به نتیجه رسیدن فیلم روی پرده بروز و ظهور داشت تا با اثری حسی و قابل اعتنا مواجه باشیم اما دو فیلم «احمد» خمینی و «احمد قویدل» ازجمله مصادیق عینی دو فیلم خوب و بدی بودند که چنانچه فیلمسازان در آنها متمرکز شوند، خواهند دید چقدر انتخاب‌های عوامل لازمه ساخت، می‌تواند مسیر آنها را به نتیجه سقوط یا صعود بکشاند. قویدل، حاصل تیزهوشی کارگردان در انتخاب موضوع جهانی و سوژه شخصیت کاریزماتیک آن است. همچنان‌که رسیدن به نوع جذاب روایت و پرداخت فرمیک اثر (به‌رغم سردرگمی فیلمساز در حفظ یکدستی روایت به‌ویژه در به‌کارگیری لحن طنازانه) حکایت از درک و فهم تحقیقی فیلمساز از نیاز امروز مستندسازی ایران و جهان، خصوصا در مواجهه با مخاطب دارد که جزئیات این قوت را به درنگی دیگر وامی‌گذارم، الان باید به شوک جشنواره پرداخت؛ شوکی که نفس جشنواره را هم گرفت که در درجه اول حاصل انتظار از مستندسازی است که قبلا کارهای قابل تحمل و بعضا قابل تامل و خوبی را ساخته است. مرتضی رزاق کریمی که در این دوره با فیلم «احمد» در دو بخش ملی و شهیدآوینی حضور یافته بود با قطع یقین بدترین فیلم کارنامه خودش و هفدهمین جشنواره مستند سینما حقیقت را ساخته است. گفتنی است که این قلم با موضع و محتوای یک‌سویه فیلم کاری ندارد. در واقع حق هر فیلمسازی است که با هر گرایشی فیلم بسازد و جزو حقوق هر نهاد، مرکز و ارگانی است که با موضع سیاسی متبوع خود، پشت فیلم‌ها قرار بگیرد. پس این مسائل دغدغه اولیه این یادداشت نیست، البته که در روند یاد شده توسط اسپانسرهای سیاسی ـ ارگانی، تحریف، حذف و سانسور، واقعیات مذموم و مبتذل است، با این حال آنچه اینجا و برای نگارنده مهم است این‌که فیلم احمد در ابتدایی‌ترین مؤلفه‌های تکنیکی (منهای فرم که فیلم به ۱۰۰ قدمی آن نزدیک نمی‌شود) زمینگیر است و به‌جای آن فیلمساز استخوان‌خرد کرده و قدیمی حوزه مستندسازی، متوسل به ادا و اطوارهایی شده که الان دیگر شبه‌روشنفکران نیز از آنها عبور کرده‌اند، مانند پلان‌های پرت کوچه، شب، باران و ... معلوم نیست فیلمساز خسته و مغرور (این گذاره را از دل فیلم می‌شود دریافت) این‌قدر تصاویر آبستره‌گونه را به چه منطق روایی و زیبایی‌شناسی استفاده کرده تا حدی که کار را به ابتذال تصویری سوق داده است. یعنی اگر این اداهای فیلم در تدوینی مجدد حذف شود، با فیلمی پرحرف، شعاری و الکن در جذابیت روبه‌رو هستیم که فیلمساز برای این حرف‌های صدمن یک غاز، بدترین، نامناسب‌ترین و دورترین‌آدم‌ها به سوژه اصلی را انتخاب کرده است برای همین شاهد یک جمله و گفته نغز و مهم در این همه حرف و ... نیستیم. این طبیعی است که وقتی فیلمساز، آدم‌های بی‌ربط یا کم ربط به شخصیت اصلی را مقابل دوربین می‌نشاند، خروجی آن پرت و پلای خنثی و غیرمؤثر خواهد بود. یعنی رزاق کریمی به این مؤلفه اولیه و لازمه در گونه تثبیت شده فیلم بیوگرافیک یا پرتره توجه و دقت نداشته است. در چنین گونه‌هایی معمولا انتخاب شاهدان در گفت‌وگوها الزاما باید از نزدیک‌ترین اشخاص با سوژه باشند، حتی اگر ازاین مهم بگذریم و بپذیریم که فیلم اتوبیوگرافیک نیست (که باید می‌بود و الان توجیه‌پذیر نیست) بازهم فیلم درهم شکسته و ورشکسته است. اگر بخش‌های کلیدی و مهم فیلم (صحبت‌های مادر و فرزند) را به یاد بیاورید به اشتباه و غلط‌های فاحش در دکوپاژ و میزانسن بیشتر پی‌خواهید برد. درمجموع فیلم احمد، اثری تلف شده درباره یکی از جدی‌ترین و کنجکاوی‌برانگیزترین چهره‌های سیاسی و البته اجتماعی انقلاب اسلامی است. نتیجه‌ای ناکافی و ناقص که حالا حالاها مانع نزدیک شدن دیگر فیلمسازان به این سوژه گرانسنگ می‌شود.

بعدالتحریر؛ یک جایزه حیرت‌آور

یکی از جوایز عجیب و شگفت‌آور جشنواره هفدهم، اهدای جایزه شهید آوینی به مستند احمد بود. این نتیجه یک‌بار دیگر نشان داد چنانچه برگزیده‌های داوران هر رویداد فرهنگی ـ هنری از قابلیت تخصصی لازم برخوردار نباشد و نیز رنگ و بویی مصلحت اندیشانه غیراستراتژیک داشته باشد، حداقل آسیب آن، نقض‌غرض اهداف جشنواره و کاهش اعتبار آن است. اگر شهید آوینی بود حداقل به دلیل ضعف‌های آشکار تکنیکی فیلم احمد از تقدیر آن خودداری می‌کرد.

رویداد

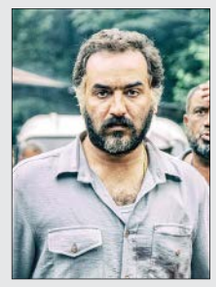

«سیاه سنگ» در جشنواره کلرمون

فیلم کوتاه «سیاه سنگ» به کارگردانی سامان لطفیان و تهیه‌کنندگی سید مازیار هاشمی در نخستین حضور بین‌المللی خود در جشنواره معتبر کلرمون فرانسه به نمایش در می‌آید. جشنواره کلرمون فرانسه معتبرترین فستیوال فیلم کوتاه جهان است. این رویداد که سالانه در شهری به همین نام در کشور فرانسه برگزار می‌شود، پس از جشنواره بین‌المللی و شناخته‌شده «کن»، بزرگ‌ترین رویداد سینمایی فرانسه بوده که امسال پذیرای فیلم کوتاه سیاه سنگ از سینمای ایران است.

امسال نخستین تجربه فیلمسازی سامان لطفیان، از میان ۹۵۰۰ متقاضی برای حضور در بخش مسابقه این جشنواره انتخاب شده است. سجاد افشاریان، نصرا... رادش، مهدی میامی و ماه‌منیر بیطاری گروه بازیگران سیاه سنگ را تشکیل می‌دهند. سایر عوامل فیلم عبارتند از نویسنده؛ سامان لطفیان و مهدی تراب بیگی، تدوین؛ اسماعیل علیزاده، طراح صحنه و لباس؛ حجت اشتری و مدیر صدابرداری؛ سعید زند و...

اکران

«عروسی مقدس» در موزه سینما

مستند «عروسی مقدس» ساخته فرهاد ورهرام در موزه سینما نمایش داده می‌شود.

در ادامه نمایش‌های ویژه فیلم‌های مستند در موزه سینما تحت عنوان «شب‌های مستند» با مشارکت انجمن صنفی تهیه‌کنندگان سینمای مستند، فیلم عروسی مقدس بر روی پرده سالن فردوس موزه سینما می‌رود.

در دومین نشست شب‌های مستند که روز سه‌شنبه پنجم دی ساعت ۱۷ برگزار می‌شود، فرهاد ورهرام، کارگردان فیلم و دکتر پروین ثقه‌الاسلام، استاد دانشگاه و پژوهشگر میراث فرهنگی درباره فیلم صحبت خواهند کرد.

مستند عروسی مقدس جزو معدود فیلم‌های مردم‌نگاری در ایران است که برگزاری یک مراسم آیینی را طی دو هفته تعقیب می‌کند، پس از آن روستا صاحب جاده آسفالت، برق، تلفن و... می‌شود و به‌تدریج توریست‌ها به این منطقه می‌آیند. این اثر که امروز جزئی از سینمای مستند کلاسیک ایران محسوب می‌شود، نگاهی درونگرا به موضوع تغییر فرهنگ در جامعه دارد. ورود در این برنامه برای عموم آزاد و رایگان است.

قاب

تقدیر از اولین بانوی عکاس ایرانی در یونیسف

عاطفه سادات صفوی با مجموعه عکس آتون که در روستاهای استان کهگیلویه و بویراحمد عکاسی شده است در جشنواره یونیسف ۲۰۲۳، شایسته تقدیر شد. مجموعه عکس «آتون» روایت مربی خوش‌ذوقی است که روستا به روستا برای کودکان قصه می‌خواند و برای رشد فرهنگ و آموزش‌شان تلاش می‌کند. او آنها را برای نقش‌ها و مسئولیت‌های بزرگ آماده می‌کند تا خودشان آینده روشن‌شان را بسازند.